



■ **حضرت امیر المؤمنین علی:**  
و آنکه بر بندگان خداستم کند، خدا به جای  
بندگانش دشمن او می‌شود.

■ **اذان ظهر:** ۱۱:۵۲ ■ **غروب آفتاب:** ۱۶:۵۲  
■ **اذان مغرب:** ۱۷:۱۲ ■ **نیمه شب شرعی:** ۲۳:۰۸  
■ **اذان صبح فردا:** ۵:۲۴ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶:۵۳

■ **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشه‌ری  
■ **مدیر مسئول:** عبدال... گنجی  
■ **سرمدیر:** دانیال معمار

■ **پدیرش آگهی:**  
■ **تلفن:** ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ **توزیع و اشتراک:**  
موسسه نشر گستر امروزین  
■ **تلفن:** ۶۱۹۲۳۰۰۰

■ **چاپ: همشه‌ری**  
■ **تلفن:** ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ **دفتر مرکزی:** تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه شهید سیدکمال قرینی، شماره ۱۴  
■ **کدپستی:** ۱۹۶۶۶-۴۵۹۵۶  
تهران، صندوق پستی ۱۹۶۹۵/۵۴۴۶  
■ **تلفن:** ۲۳۰۳۰۰۰، ۲۳۰۴۰۰۰  
نمبر: ۶۰۷-۲۲۰



■ **همشه‌ری:** www.hamshahrionline.ir  
■ **سایت روزنامه:** newspaper.hamshahrionline.ir

تقویم / سالروز

اژدها متولد می‌شود



با لباس یکدست زرد، دست‌وپا در محاصره شده. هر چند لحظه یک بار، یک نفر از روی محیط دایره به سمت مرکز حرکت می‌کند. او دستانش را تکان می‌دهد و صدای گربه درمی‌آورد و آن شخص را نقش بر زمین می‌کند. چند دقیقه بعد دایره متلاشی می‌شود، ولی مرکزش همچنان سراپا ایستاده است. او «اوما تورن» در فیلم «بیل را بکش» نیست؛ «بروس لی» است؛ یکی از بزرگ‌ترین نمادهای فرهنگ یاپ. او جوانی هنگ‌کنگی است که در عرض چند سال توانست سینما را به تسخیر خودش درآورد.

«لی جون فن» که بعدها به بروس لی شهرت پیدا کرد، سال ۱۹۴۰ در سان‌فرانسیسکو به دنیا آمد. وقتی ۱۲ساله شده بود، به کالج «LS Salle» می‌رفت. یک روز مثل خیلی از ما، داشت از یک محله خلاف‌ر می‌شد که حساسی از دست بچه‌های محله کتک خورد. از فردای آن روز تصمیم گرفت که به کلاس آموزش هنرهای رزمی برود. دهه ۶۰دوباره به آمریکارفت و زیر نظر «یاد پاکو» دفاع شخصی یاد گرفت. چند سال بعد هم یک مدرسه آموزش کنگ‌فو تأسیس کرد که به ستارگان سینما نظیر «استیو مک کوئین» و «جیمز کابرن» هنرهای رزمی یاد می‌داد. سال ۱۹۷۱به‌خاطر بازی در نقش استادی که می‌خواست به شاگرد نابینایش کنگ‌فو یاد بدهد، یک‌دفعه در هالیوود مشهور شد و پول خوبی به جیب زد. پول‌ها را برداشت و دوباره به هنگ‌کنگ رفت. در آنجا با یک تهیه‌کننده باهوش به نام «ریموند چاو» نخستین فیلم هنگ‌کنگی را که در آن، نقش اول را بازی می‌کرد، ساختند: «زنس بزرگ». این فیلم که بارها از تلویزیون خودمان پخش شده، در شرایط سختی ساخته شد، اما موفقیت عجیبی در ایران داشت. موفقیت اسرارآمیز بروس لی باعث شد کمپانی «برادران وارنر» در هالیوود تهیه‌کنندگی فیلم بعدی‌اش «اژدها وارد می‌شود» (۱۹۷۳) را بر عهده بگیرد. این فیلم هم به‌خاطر سسکاتس معروف مبارزه در تالار آیینیه، بسیار مورد توجه قرار گرفت. بروس در اوج بود، کتک‌کاری‌ها و بزبزن‌هاش به همه جای دنیا نفوذ کرده بود. کار و کاسبی آموزشگاه‌های هنرهای رزمی به‌خاطر فیلم‌های او سکه شده بود، جوان‌ها‌ای او را درمی‌آوردند، درآوردن صدای گربه در دعواهای محلی‌یاب شده بود... که یک‌دفعه خبر رسید که او مرده‌است، به همین سادگی... معلوم نبود که علت مرگش چیست. هنوز هم معلوم نشده. انگار تاریخ برای اسطوره‌ها یک جور رقم می‌خورد. اما این حرف‌ها توی کت‌هوا درازش نمی‌رفت. آنها منتظر فیلم جدید «بروس لی» بودند. شال بعد از مرگ‌او، فیلمی با عنوان «بازی مرگ» ساخته شد که شخصی شبیه بروس لی، بازگر نقش‌اولش بود. اسطوره دوباره زنده شده بود. مردم دوباره به سینماها کشیده شدند. همه می‌دانستند که بازگر روی پرده سینما، بروس لی نیست، اما به یاد او مدام سوت و کف می‌زدند و «امت گرم» می‌گفتند.

## داروهای اضافی را دور نریزید



استفاده شوند. دارو هم که جزو زباله‌های خطرناک است و نباید همراه با زباله‌های دیگر آن را دور انداخت. به همین دلیل سازمان غذا و دارو راهکاری را پیش‌بینی کرده تا داروهای ذخیره شده در خانه، به بهترین شکل امحا شوند. سال گذشته این سازمان چند داروخانه را به شکل پایلوت در تهران انتخاب کرد و از مردم خواست تا داروهای تاریخ‌گذشته و فاسد را به این داروخانه‌ها تحویل دهند. به این

خیلی از ما در خانه‌هایمان یک داروخانه کوچک نگهداری می‌کنیم برای روز مبادا. بیشتر این داروها هم باقی‌مانده نسخه‌هایی است که برای بیماری‌های مختلف از پزشک گرفته‌ایم و دارو را تا انتها مصرف نکرده‌ایم و داروی باقی‌مانده رفته است داخل داروخانه کوچک منزل‌مان تا اگر دوباره به همان بیماری مبتلا شدیم، دارو دم دست داشته باشیم. انواع مسکن‌ها، قرص سرماخوردگی و ویتامین‌ها هم در این داروخانه‌های خانگی پیدا می‌شود. اما نکته مهمی که وجود دارد این است که تاریخ انقضای بسیاری از این داروها بدون اینکه مصرف شوند به پایان می‌رسد و از آنجا که داروها شرایط نگهداری ویژه‌ای دارند و ما در خانه این شرایط را نداریم، قاعدتا برخی از این داروها هم ممکن است فاسد و غیرقابل

### اول آخر

پسران هندی در بستر خشک رودخانه گنگ ■ عکس: AFP



### تنبيه عجيب والدین چینی



روانشناسان کودک همیشه تأکید می‌کنند که تنبیه فرزندان جوان، باید متناسب با رفتارهای آنها باشد و چارچوب مشخصی داشته باشد. اما به تعداد والدین، روش‌های متفاوت برای تنبیه کودکان وجود دارد و بعضی از آنها چنان عجیب و غریب و افراطی هستند که بیشتر شبیه شکنجه هستند تا تنبیه. در چین، تنبیه عجیب یک کودک توسط والدینش، حساسی سر و صدا به پا کرده و انتقادهای زیادی را متوجه این زوج کرده است. فرزند این خانواده، مثل میلیون‌ها کودک دیگر در دنیا، عاشق تلویزیون دیدن است و در این کار اصراف هم می‌کرده. واکنش والدینش اما چه بوده؟ اینکه این بچه را یک شب تا صبح بیدار نگه دارند و او را مجبور کنند تا تلویزیون نگاه کند. تنها خطای فرزند آنها این بوده که به جای اینکه ساعت هشت و نیم به تخت‌خوابش برود، از غیبت پدر و مادرش که برای خرید بیرون رفته بودند استفاده کرده و چند ساعت بیشتر تلویزیون تماشا کرده بود.

### موش از پلیس نمی‌ترسد



موش‌ها در شمال هند، به یک انبار پلیس که در آن مواد مخدر نگهداری می‌شد زده‌اند و صدها کیلو ماده مخدر گل را که از باند‌های خطرناک قاچاق ضبط شده بود خورده‌اند. این اتفاق، حتی پلیس را هم غافلگیر کرده اما آنطور که یک دادگاه در ماتورا در ایالت اوتار پرداش در یک حکم نوشته، «موش‌ها حیوانات کوچکی هستند و از پلیس هم نمی‌ترسند». پلیس می‌خواست ۲۰۰ کیلو ماده مخدر را به‌عنوان مدرک به دادگاه ارائه کند که متوجه مفقود شدن آن شد. در مجموع، پلیس گفته است که نزدیک به ۷۰۰ تن ماده مخدر گل توسط موش‌ها از بین رفته است. رابطه موش‌ها در این شهر با انبار مواد مخدر پلیس، سابقه‌ای طولانی هم دارد و قاضی پرونده گفته است که بعد از بررسی‌ها مشخص شده موش‌ها قبلاً هم نیم تن ماده مخدر را در انبار پلیس از بین برده‌اند.

### قدیمی ترین غذای جهان



از زمانی که حیات در کره زمین وجود داشته، مسئله غذا هم بخشی از آن بوده و دانشمندان با بررسی وضعیت غذایی جانوران و انسان‌ها، به یافته‌های زیادی درباره آن دست پیدا می‌کنند. حالا یک تیم تحقیقاتی در یک مقاله، نتایج بررسی‌های یک فسیل قدیمی را منتشر کرده و مدعی شده که قدیمی‌ترین شواهد درباره غذای استفاده شده توسط موجودات اولیه را پیدا کرده است. این تیم از دانشمندان، رد این غذا را در یک فسیل ۵۵۰ میلیون ساله به‌دست آورده‌اند که متعلق به دوره اداکاران (۳۰۰ میلیون تا ۴۲۲ میلیون سال پیش) است. دانشمندان، حیات در این دوره را با نام موجودات زنده اداکاران بررسی می‌کنند. موجودات زنده این دوره، نخستین نمونه‌های جانوران با ساختارهای چند مولکولی و پیچیده به شمار می‌روند و طبیعتاً تغذیه آنها هم پیچیده‌ای‌های بیشتری داشته است. دانشمندان با بررسی فسیل به جامانده از یکی از این موجودات، که کیمبرلانام دارد، متوجه رد مولکول‌های پیچیده‌تری شده‌اند که در سیستم گوارشی آن دیده می‌شود. این محصول شیمیایی، که در گیاهان یافت می‌شود، نشان‌دهنده این است که این موجودات، از باکتری‌ها و جلبک‌های کف اقیانوس‌ها تغذیه می‌کرده‌اند. کیمبرلا‌ها از نخستین موجوات روی زمین هستند که در ساختار بدن آنها، دهان و شکم و سیستم گوارشی وجود داشته و سازوکار خوردن و گوارش آنها، همچون جانوران مدرن امروزی بوده است.

### بوک مارک

### سفر زمستانی

آبلی نوتوب  
من سرما هستم و سلطنت من بر جهان به‌دلیلی بسیار ساده است: چیزی که هیچ‌کس تا به حال به آن نیندیشیده است: نیاز من به احساس شدن. این نیاز همه هنرمندان است اما هیچ هنرمندی جز من نتوانسته این نیاز را ارضا کند. همه جهان و انسان‌ها من را به خوبی حس می‌کنند. وقتی خورشید و باقی ستارگان خاموش می‌شوند، من همچنان خواهم بود و همه مردگان و زندگان آغوشم را احساس خواهند کرد. نیت آسمان هر چه که باشد، یقین مطلق آن است که آخرین کلام من به سوی من خواهد بود. این میزان از تکبر با تواضع من در تضاد نیست چرا که اگر احساس نشوم، هیچم. بدون لرزش دیگران وجود ندارم. سرما هم به انگیزه و نیرو نیاز دارد و نیروی من رنج همه شماسست. برای قرن‌ها و قرن‌ها.

### دیالوگ

### پدر خوانده

+ پش پیشنهادی بده که تنونه  
فرانسیس فورد کوپولا  
رد کنه.

-قبول نمی کنه.

+خب پش پیشنهادی بده که تنونه رد کنه، یا یا خودکار

امضا می کنه، یا مغزش که می پاشه بیرون!

### فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که ما منتظریم تا نوشته‌ها بتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس یا شماره ۰۲۲۳۲۶۶۲۲ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

### درد و دل

## واقعاً چرا باید در این وضعیت اقتصادی کتاب بخوانیم؟

عبیسی محمدی  
روزنامه‌نگار



همین چند وقت پیش بود که یکی از روزنامه‌نگاران حوزه کتاب، که کتاب‌باز قهار ی هم هست، شروع کرده بود به نگاشتن توییت‌هایی دال بر اینکه اقتصاد به هم ریخته و دیگر نه تاب و توان و نه حوصله و زمانی برای کتابخوانی شهروندان مانده است. این، البته کاملاً بدیهی و طبیعی است؛ چرا که نه؟ شما وقتی که ناچار ی اضافه‌کار بایستی تا هر زمانه صرف اولویت‌های دیگر می‌شود، طبیعی است که به سمت و سوی مصرف فرهنگی نمی‌روی و مصرف فرهنگی در سبذ زندگی و سبک زندگی و اوقات فراغت تو ناچیز و حتی صفر خواهد شد. به جایش خواهی گفت که رهایش کن، به جایش چیزی برای خانواده و بچه‌ها و... می‌خرم.

این نوشته، در صدد آن نیست که چنین ایده‌ای را رد کند؛ چرا که همه ما می‌دانیم در چه وضعیتی هستیم و سختی معیشت و اقتصاد را داریم کاملاً لمس می‌کنیم. پس در فرض‌های ابتدایی چنین بحثی نه می‌توان شک و شهباهی وارد کرد، نه می‌توان انکارش کرد. اما آیا همه ماجرای کتاب و کتابخوانی همین است؟ مهم‌ترین نکته اینجا است که ما چرا کتاب می‌خوانیم؟ این «چرایی» کتابخوانی اگر به‌خوبی درک شود، می‌توان آن را سبک و سنگین کرد؛ که حالا می‌توان راحت کنارش گذاشت یا نه.

در بحث‌های توسعه‌فردی، باب شده است که می‌گویند برای رسیدن به موفقیت بیشتر، باید کتاب‌های بیشتری بخوانی. بهترین توصیه را چیمز آن می‌کند که می‌گوید زندگی دستاوردهای خودش را، در طبقات بالایی قفسه خود گذاشته و برای رسیدن به آن، باید روی کتاب‌هایی که می‌خوانید، بایستید. بایستید، تصویرسازی را دارید؟ به واقع توصیه‌کنندگان، می‌خوانند، نفعی واقعی و مصداقی برای کتابخوانی ارائه کنند. البته غالباً هم درست از آب درمی‌آید؛ چرا که کتابخوانی در حوزه کاری و تخصصی خاصی، منجر به کسب اطلاعات و قواعد جدید و حرفه‌ای‌تری می‌شود و شمارد صورت وفاداری به این قواعد، می‌توانید به موفقیت‌های بیشتری دست یافته و حتی دستاوردهای مالی و اقتصادی بیشتری هم داشته باشید. اما آیا همه قدرت «چرایی» به همین می‌شود؟ در حالی و دارایی و دستاوردهای مالی بازمی‌گردد؟

قطعاً چنین نیست و چنین نمی‌تواند باشد. چه‌بسا اگر همه قدرت «چرایی» خواندن کتاب‌ها را به این فقره بسندند کنیم، بعضی‌ها بگویند که خب من علاقه‌ای چندانی ندارم و همین مقداری که در آمد دارم و دارایی، برام کفایت می‌کند. خاصه اینکه در بین کتابخوان‌های حرفه‌ای نیز از این دست آدم‌های درویش مسلک فراوان داشته و داریم. پس باید دنبال قدرت «چرایی» بالاتر و قوی‌تر باشیم؛ چیزی که گاهی درست مثل نفس کشیدن و غذا و... به‌قدری جدی و ملموس و مهم و حیاتی باشد که نتوان از آن گذشت.

محمود سریع‌القول، استاد دانشگاه و پژوهشگر توسعه در مجموعه مقالات «سی ویزگی» خود، بخشی را به کسانی اختصاص داده که کتاب نمی‌خوانند و اساساً وقتی که کتاب نمی‌خوانید، چه اتفاقاتی برای‌تان می‌افتد. ایسن اتفاقات، می‌تواند نسوع تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌ها و طی مسیرهای ما را تحت‌تأثیر قرار دهد و همه چیز را خراب کند؛ یعنی اینجا چه مواردی هستند که چنین حساس هستیم تا به‌عنوان قدرت «چرایی» کتابخوانی مطرح‌شان کنیم؟ یکی از این گزاره‌ها، معطوف به آن است که کتاب‌نخوان‌ها، به‌راحتی تحت‌تأثیر تبلیغات و پروپاگاندا قرار می‌گیرند؛ حالا از طرف هر کسی که می‌خواهد باشد. تبلیغاتی از طرف یک فروشنده که می‌خواهد جنس ضعیفش را به شما بفروشد یا به‌اصطلاح «قالب» کند. یا به‌عنوان کسی که می‌خواهد سرمایه‌گذارش را با این کار فریب دهد یا... از نکته‌های دیگر مطرح‌شده آن است که چنین افرادی با هیچان و احساسات زندگی که می‌کنند، می‌دانیم که کامل‌ترین و باتأثیرترین زندگی، زندگی عقلانی است. و می‌دانیم که عقلانیت، یعنی استفاده از تجربه‌های علمی و فنی و تخصصی به‌دست آمده در حوزه‌هایی مشخص. یا به فرمایش حضرت امیر علی علیه‌السلام، مجموعه‌ای از تجربه‌های خودمان و تجربه‌های دیگران. علمای اخلاقی معمولاً عقل را زیاترین پدیده هستی دانسته‌اند؛ شاید برخلاف تصورات اولیه‌ای که ممکن است شما و دیگران داشته باشید. عقل، ثابت و زیباترین و کامل‌ترین نتیجه‌گیری منجر می‌شود و نزدیک به کمال است و مجموعه اینها، باعث زیبایی آن می‌شود. جالب اینکه حتی برخی فیلسوفان و عرفا، عشق را نهایت عقلانیت می‌دانند و در جایی، عقلانیت و عشق را یکسان قلمداد می‌کنند و تنها راه رسیدن به این عقلانیت و عملیاتی کردن آن در زندگی‌تان، می‌تواند آشنایی با تجربه‌های دیگران و حتی تجربه‌های خودتان باشد؛ کاری که کتاب و کتابخوانی می‌تواند با شما انجام بدهد.

تنها عواقب کتاب‌نخواندن، عادت به عدم کتابخوانی البته معطوف به این موارد نیستند. شما اگر اهل کتاب نتواند باشید، بخش استدلالی ذهن‌تان تعطیل می‌شود، احتمال پوپولیست‌بودن‌تان به‌شدت بالا ست، حرف‌های تسنیدیه فراوانی می‌زنید، منافعات رانمی‌توانید به‌درستی درک کرده و تشخیص بدهید، اهل مصورت نخواهید بود... در جالب‌ترین نکته‌های کتابخوان نبودن شما این است که برای رشد فکری و شخصیتی‌تان احساس نیاز پیدا نمی‌کنید. وقتی احساس نیازی پیدا نکنید، چرا باید کتاب بخوانید؟ اساساً وقتی که لزومی به کاری نمی‌بینی نیست، چرا باید انجامش بدهی؟

جالب اینکه از عواقب جالب عدم کتابخوانی شهروندان، می‌تواند خوشحالی حکومت‌ها هم باشد. حکومت‌های توتالیتر و اقتدارگرا و تمرکزگرا، اساساً دوست ندارند که شهروندان‌شان اهل پرسش و پاسخ و مطالبه‌گری و... باشند. کسانی که کتابخوان هستند، به‌شدت اینگونه‌اند و برای حکومت‌های توتالیتر مزاحمت ایجاد می‌کنند. پس کتابخوانی حتی می‌تواند شأن مبارزه اجتماعی هم پیدا کند و اساساً باعث شود تا امکان ایجاد چنین حکومت‌هایی کمتر و کمتر شود؛ اتفاقی که در کشورهای کتابخوان کمتر می‌بینیم و در کشورهای عقب‌افتاده‌تر بیشتر. چه‌بسا از این منظر نیز بتوان انقلاب اسلامی ایران را در سال ۱۳۵۷ تفسیر کرد؛ چرا که کتاب و کتابخوانی در این دوره وضعیت مناسبی داشته و چندان به وضعیت اقتصادی پیوند داده نمی‌شود.

نهایت سخن اینکه، وقتی شما این همه قدرت «چرایی» و دستاوردهای عینی و ملموس و... برای کتابخوانی می‌توانید ایجاد کنید، قطعاً راهی برای انجامش هم پیدا خواهید کرد؛ شده یا گذاشتن یک کتاب کوچک در جیب و مطالعه آن در اتوبوس، شده یا مراجعه به کتابخانه محله‌تان، شده یا مطالعه یک کتاب الکترونیکی، شده حتی با گوش‌سپردن به کتاب‌های صوتی و... به قول معروف، وقتی «چرایی» انجام کاری را می‌یابید، «چگونگی» انجامش را هم در خودتان نهادینه می‌کنید...